

Introduction to the Reading on 11

December 2022 Isaiah 40, 1-11

Many Israelites have been living in exile in Babylon for a long time. They long for their home in Israel, living without hope in the foreign city. In the second part of the book of Isaiah, the prophet begins to speak to his people on behalf of God. God wants to comfort the people now and lead them home to Israel soon. We listen to the reading from Isaiah 40. From the pulpit we hear God's voice, at the lectern the prophet speaks.

خواندن مقدمه 22.11.12

اشعيا 40: 1-11

بسیاری از اسرائیلی‌ها مدت‌هاست در تبعید، در بابل زندگی می‌کنند. آنها در آرزوی سرزمین خود در اسرائیل هستند و بدون امید در شهری بیگانه زندگی می‌کنند. در قسمت دوم کتاب اشعیا، پیامبر شروع به صحبت با قوم خود از جانب خدا می‌کند. خدا می‌خواهد اکنون مردم را تسلی دهد و به زودی آنها را به اسرائیل برساند. ما متنی از اشعیا 40 می‌شنویم. صدای خداوند را از روی منبر می‌شنویم، پیامبر بر روی منبر سخنرانی می‌کند.

1. "Comfort, O comfort My people," says your God.

2. "Speak tenderly to Jerusalem, And call out to her, that her time of compulsory service in warfare is finished, That her wickedness has been taken away [since her punishment is sufficient], That she has received from the Lord's hand Double [punishment] for all her sins."

1. تسلی دهید! قوم مرا تسلی دهید! خدای شما می گوید.

2. به اورشلیم سخنان دلگرم کننده بگویید و او را ندا در دهید که دوران زحمت طاقت فرسایش به پایان رسیده، و تاوان گناهش پرداخت شده است، زیرا که به جهت تمامی گناهانش از دست خداوند دوچندان دریافت کرده است.

3. A voice of one is calling out, "Clear the way for the Lord in the wilderness [remove the obstacles]; Make straight and smooth in the desert a highway for our God.

4. Every valley shall be raised, And every mountain and hill be made low; And let the rough ground become a plain, And the rugged places a broad valley.

5. And the glory and majesty and splendor of the Lord will be revealed, And all humanity shall see it together; For the mouth of the Lord has spoken it."

3. صدایی ندا می‌کند: «راه خداوند را در بیابان مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا هموار کنید؛

4. هر درّه‌ای برافراشته شود و هر کوه و تلی پست گردد. زمین ناصاف صاف، و ناهمواری‌ها هموار گردد.

5. آنگاه جلال خداوند آشکار خواهد شد، و تمامی بشر با هم آن را خواهند دید، زیرا که دهان خداوند سخن گفته است.»

6. A voice says, "Call out [prophecy]." Then he answered, "What shall I call out?" [The voice answered:] All humanity is [as frail as] grass, and all that makes it attractive [its charm, its loveliness] is [momentary] like the flower of the field.

7. The grass withers, the flower fades, When the breath of the Lord blows upon it; Most certainly [all] the people are [like] grass.

8. The grass withers, the flower fades, But the word of our God stands forever.

6. هاتفي مي گويد: «ندا کن!»
گفتم: «به چه ندا کنم؟» «آدمي
جملگي علف است و زيبايي اش
يکسره چون گل صحرا!»

7. علف مي خشکد و گل
مي پژمرد، زيرا که دم خداوند بر
آن دمیده مي شود. بر استي که
مردمان علفند!

8. علف مي خشکد و گل
مي پژمرد، اما کلام خدای ما تا ابد
باقی مي ماند.

9.O Zion, herald of good news, Get up on a high mountain.O Jerusalem, herald of good news, Lift up your voice with strength, Lift it up, do not fear; Say to the cities of Judah, "Here is your God!"

10.Listen carefully, the Lord God will come with might, And His arm will rule for Him. Most certainly His reward is with Him, And His restitution accompanies Him.

11.He will protect His flock like a shepherd, He will gather the lambs in His arm, He will carry them in His bosom; He will gently and carefully lead those nursing their young.

9.ای صهیون، که بشارت می آوری، به کوه بلند برآی! و ای اورشلیم، که مژده می رسانی، به نیروی تمام صدایت را بلند کن! آن را بلند کن و مترس! به شهرهای یهودا بگو: «هان، خدای شما است!»

10.اینک خداوندگار یهوه نیرومندانه می آید و بازویش برای او حکمرانی می کند. پاداش او با وی است و اجرت او پیش رویش می آید.

11.او همچون شبان گوسفندان خود را خواهد چراند، و بره ها را میان بازوانش گرد خواهد آورد؛ آنها را در آغوش خود حمل خواهد کرد، و شیردهندگان را با ملایمت رهبری خواهد نمود.

Sermon for 11 December 2022, 3rd Advent:

Isaiah 40:1-11

Dear congregation!

1. I am studying Protestant theology in Tübingen in southern Germany. In the winter semester 1985/86 I attend a seminar on the second part of the book of Isaiah in the Old Testament. I learn: this part from Isaiah 40, our sermon text today, was written in the Babylonian exile. For more than 60 years, the Jewish upper-class lives in exile in Babylon after the conquest of Jerusalem by the Babylonians in 586 BC. At the end of this time, Isaiah announces the imminent end of the exile on behalf of God.

خطبه 11.12.22 ظهور سوم

اشعيا 11-40:1

اعضای عزیز!

1. من در حال تحصیل الهیات پروتستان در توپینگن در جنوب آلمان بودم. در ترم زمستان سال 1985/86 در سمیناری در مورد قسمت دوم کتاب اشعیا در عهد عتیق شرکت کردم. در آنجا آموختم: این قسمت از اشعیا 40، که متن خطبه امروز ما از آن برگرفته شده، در تبعید در بابل نوشته شده است. طبقه بالای یهودی پس از فتح اورشلیم توسط بابلی ها در سال 586 قبل از میلاد، بیش از 60 سال در تبعید در بابل زندگی کردند. در پایان این زمان، اشعیا پایان قریب الوقوع تبعید را از طرف خدا اعلام می کند.

2. "Make a way for the Lord in the wilderness! Pave a road for our God in the steppes!" (Isaiah 40:3) A kind of highway is to be built between Babylon and Jerusalem, a straight route across the Arabian desert. "Ascend a high mountain, you messenger of joy for the city of Zion!" (Isaiah 40:9a) It is also to be proclaimed in Jerusalem: The Lord God goes before his people and brings them back to Jerusalem "on the highway". The Persian king Cyrus is the instrument of God at that time. He conquers Babylon and lets the Israelites return home.

2. «برای خداوند در بیابان راهی بسازید! برای خدای ما در استپ جاده ای هموار بسازید!» (اشعیا 40:3) نوعی بزرگراه باید بین بابل و اورشلیم ساخته شود، یعنی یک امتداد مستقیم در سراسر صحرای عربستان. «ای پیام‌آور شادی شهر صهیون، از کوه بلندی بالا برو!» (اشعیا 40:9 الف) همچنین باید در اورشلیم اعلام شود: خداوند از قوم خود جلوتر می‌رود و آنها را در مسیر بازگشت به اورشلیم «در شاهراه» هدایت می‌کند. در آن زمان کوروش پادشاه ایرانی ابزار خدا بر روی زمین بود. او بابل را فتح کرد و به بنی اسرائیل اجازه داد به خانه بازگردند.

3. Babylonian exile. This is an all-changing time for the people of Israel. What had until then constituted their identity as a faithful people was suddenly gone with the destruction of Jerusalem: no more temple, no more king, no more land. In exile, the Israelites learn to lean on God in a different way. Israel's experiences with God are written down, the Old Testament comes into being. And instead of temple and land, the observance of the Sabbath and the other commandments become decisive for the identity of the Jews.

3. تبعید بابلی. این زمان تغییر بزرگی برای مردم اسرائیل است. آنچه قبلاً هویت آنها را به عنوان یک قوم مؤمن و معتقد تعریف می کرد، ناگهان با ویرانی اورشلیم از بین رفت: دیگر نه معبد، نه پادشاه، و نه کشوری وجود داشت. در تبعید، بنی اسرائیل یاد می گیرند که به روش های دیگر به خدا تکیه کنند. تجربیات اسرائیل با خدا مکتوب می شود، و عهد عتیق به وجود می آید. و به جای معبد و سرزمین، رعایت سبت و سایر احکام برای هویت یهودیان تعیین کننده می شود.

4. Babylonian exile. Suddenly everything is different. The ground is ripped out from under your feet and you find yourself in a new, strange reality. Six years ago I fall ill with cancer. I spend many days in hospital instead of in the parish hall, I am a patient and not a pastor. I have a lot of time to think. I am ready to let go of many things that had made up my life until then. I read many books about faith.

4. تبعید بابلی. ناگهان همه چیز فرق می کند. زمین زیر پای شما خالی می شود و خود را در واقعیت جدید و عجیبی می یابید. 6 سال پیش سرطان گرفتم. من روزهای زیادی را به جای ساختمان کلیسا در بیمارستان می گذرانم، من یک بیمار هستم و نه کشیش. من زمان زیادی برای فکر کردن دارم. من آماده ام که بسیاری از چیزهایی که تا آن زمان زندگی من را تشکیل داده است، رها کنم. من کتاب های زیادی در مورد ایمان خواندم.

5. I am writing down for myself what is crucial for my faith, which will later become the Kreuzkirche 2019 faith course. When I am healthy again, I plan to concentrate on what is essential in my life: the Triune God, my wife Anette and my family, our congregation of German and international Christians. In retrospect, this illness is a valuable time-out and test for me.

5. آنچه را که برای ایمانم تعیین کننده است، برای خودم می نویسم، که بعداً در دوره ایمانی Kreuzkirche 2019 از آن نوشته ها بهره می گیرم. وقتی دوباره سالم شدم، تصمیم می گیرم روی موارد ضروری زندگی خود تمرکز کنم: خدای سه گانه، همسرم آنته و خانواده ام، و همچنین جماعت مسیحیان آلمانی و بین المللی کلیسای ما. این بیماری بعد ها که به آن فکر میکنم برای من یک تایم اوت و آزمایش ارزشمند محسوب می شود.

6. Comfort, comfort my people! Speak your God. Speak warmly to Jerusalem, say about the city: Her time of suffering is over" (Isaiah 40:1.2ab) In 1989 in Germany, divided into an eastern and a western part. In communist-ruled East Germany, protests against the dictatorship increase. People shout: "We are the people" and not you rulers who supposedly rule in the name of the people! At the beginning of October, 40 years of the GDR, as the eastern part of Germany was called, are celebrated. The Soviet leader Gorbachev tells the GDR dictator Honecker: "He who comes too late is punished by life."

6. «آرام باش، مردم من را راحت بگذار! خدای تو را می گوید با اورشلیم از صمیم قلب صحبت کن، درباره شهر بگویند: دوران رنج او به پایان رسیده است» (اشعیا 40، 1.2ab) در سال 1989 آلمان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. در آلمان شرقی تحت حاکمیت کمونیست ها، اعتراضات علیه دیکتاتوری در حال افزایش است. مردم فریاد می زنند: «ما مردمیم» نه شما حاکمانی که گویا به نام مردم حکومت می کنید! در آغاز ماه اکتبر، چهلمین سالگرد جمهوری آلمان، همانطور که بخش شرقی آلمان نامیده می شد، جشن گرفته می شود. گورباچف، رئیس دولت شوروی، به دیکتاتور جمهوری دموکراتیک آلمان، هونکر گفت: "کسانی که خیلی دیر بیایند در زندگی مجازات خواهد شد."

7. The communist leadership is late with reforms. For once the people demonstrate courageously and thank God the military is not ordered to shoot. Soon 40 years of bondage, 40 years of "Babylonian exile" of the East Germans come to an end. The Soviet head of state, Gorbachev, played a decisive role in the turnaround. In the circle of friends back then, we call him Kyros - like the Persian king who frees the people of Israel from Babylonian exile.

7. رهبر کمونیست خیلی دیر به اصلاحات اقدام کرده است. یک بار مردم شجاعانه تظاهرات کردند و خوشبختانه دستور تیراندازی به نظامیان داده نشد. 40 سال اسارت، 40 سال "تبعید بابلی" توسط آلمان شرقی به زودی به پایان می رسد. گورباچف، رئیس دولت شوروی، سهمی تعیین کننده در این چرخش داشت. در حلقه دوستان آن زمان او را کوروش می نامیم - مانند پادشاه پارسی که قوم اسرائیل را از تبعید بابلی آزاد کرد.

8. Iran 2022: The people demonstrate for freedom and an end to dictatorship. The Mullah regime strikes back brutally. Only by force does this dictatorship hold on to power. Iranians in the country and in exile are hoping and praying for regime change. God grant that it will come soon! And may the opposition unite, powerful groups break away from the regime and the people keep their courage. May the "Babylonian exile" under the Mullah dictatorship finally come to an end after more than 40 years!

8. ایران 2022. مردم برای آزادی و پایان دادن به دیکتاتوری تظاهرات می کنند. رژیم ملاحا با آنها وحشیانه برخورد میکند. این دیکتاتوری فقط با خشونت در قدرت باقی مانده است. ایرانیان در کشور و در تبعید امیدوارند و برای تغییر رژیم دعا می کنند. خداوند به شما خواهد داد! باشد که مخالفان رژیم متحد شوند، گروه های قدرتمند از رژیم جدا شوند و مردم شجاعت خود را حفظ کنند. باشد که «تبعید بابلی» تحت دیکتاتوری ملاحا بالاخره پس از بیش از 40 سال به پایان برسد!

9. Bremerhaven 1976: As a pupil I have to do half an hour of back exercises every day because of posture problems. To make it less boring, I listen to the "Messiah" by George Frideric Handel, usually the first part, in which our sermon text is sung. As a 16 year old, I am going through a period of upheaval and departure: I start a new school, fall in love, meet new people.

9. برمرهافن سال 1976 به عنوان یک دانش آموز، به دلیل مشکلات فیزیکی، مجبور بودم هر روز نیم ساعت تمریناتی را برای کمرم انجام دهم. برای اینکه خیلی خسته کننده نباشد، همزمان به "مسیح" اثر جورج فریدریک هندل گوش می دهم، بیشتر قسمت اول که متن خطبه امروز ما بر گرفته از آن است. به عنوان یک نوجوان 16 ساله، من در وضعیت دگرگونی و آغاز مسیر زندگی هستم: به مدرسه جدیدی می روم، عاشق می شوم، با افراد جدید ملاقات می کنم.

10. I am coming out of a certain narrowness of the past years into a new expanse. I am reading a book about the Russian Revolution and get into a "revolutionary mood" myself. A new era of freedom is dawning and in Handel's "Messiah", in Isaiah 40, I find text and music for this awakening.

10. از تنگنای خاصی در چند سال گذشته، وارد فضای جدیدی شدم. مشغول خواندن کتابی درباره انقلاب روسیه هستم و به شخصه «روحیه انقلابی» در من شکل می گیرد. عصر جدیدی از آزادی در حال طلوع است و در «مسیح» از فردریک هندل در اشعیا 40 متن و موسیقی مناسبی برای این بیداری پیدا می کنم.

11. When I think of the Babylonian exile, I also think of what an older woman from my former congregation once told me: My marriage was hell for 30 years. My husband was an alcoholic and beat me. For the sake of our four children, I held out. I often went to the chapel here and prayed to God: Help me, God!

11. همانطور که به تبعید بابلی فکر می کنم، آنچه زنی مسن از کلیسای سابقم به من گفت را به خاطر می آورم: ازدواج من 30 سال جهنم بود. شوهرم الکلی بود و مرا کتک می زد. من فقط به خاطر چهار فرزندمان استقامت کردم. من اغلب به محل دعای کلیسا می آمدم و از خدا التماس می کردم: خدایا کمک کن!

12. At some point my husband died from his drinking. How relieved I was. Now began a time of freedom in my life. I was proud: all my children turned into something and now I enjoy my grandchildren and great-grandchildren. And now, as an older woman, is the best time of my life. I thank God for that.

12. سرانجام شوهرم بر اثر مصرف زیاد الكل از دنيا رفت. چقدر احساس راحتى مى كنم و اکنون دوران آزادى زندگى من آغاز شده است. افتخار مى كردم: همه بچه هايم براى خودشان كسى شده اند و حالا از نوه ها و نتيجه هايم لذت مى برم. و اکنون، به عنوان يك زن مسن، بهترين دوران زندگى من است. از اين بابت خدا را شكر مى كنم.

13. Isaiah 40. Looking back on the Babylonian exile, on beatings, confinement, bondage, dictatorship, sickness. A time of reflection, of lament, of pleading, and in the end, perhaps, of struggle. And then the departure: homecoming to Jerusalem. God calls Cyrus and he clears the way. The dictator retreats, dies. A nation sets out, and in personal life, too, there are always times of new beginnings, Isaiah 40 times.

13. اشعيا 40. بررسی و نگاهی به تبعید بابل، همراه با ضرب و شتم، حبس، اسارت، دیکتاتوری، بیماری. زمانی برای اندکی تأمل، سوگواری، دعا کردن و در پایان، شاید کشمکش و سپس عزیمت: بازگشت به اورشلیم. خداوند کوروش را صدا می زند و او راه را باز می کند. دیکتاتور عقب نشینی می کند، می میرد. ملتی از هم می پاشند و در زندگی شخصی همیشه اوقاتی برای شروعی دوباره وجود دارد، اشعيا 40 بار.

14. But with all retrospection of hard times and departure for better times, we must hear what God tells Isaiah in general with regard to the transience of people: "Yes, the grass withers, the flower fades, but the word of our God endures forever." (Isaiah 40:8) After my first departure back then at 16 and many ups and downs, I was looking for this: for the Word of God that endures for all time.

14. اما با نگاهی به گذشته و به روزهای سخت و طلوع روزهای بهتر، می توان شنید که خداوند به طور کلی در مورد مرگ و میر انسان به اشعیا می گوید: «بله، علف پژمرده می شود و گل پژمرده می شود، اما کلام ما خدا تا ابد پایدار است.» (اشعیا 40:8) پس از اولین عزیمت در سن 16 سالگی و برخی فراز و نشیب ها، به دنبال آن بودم: برای کلام خدا که تا ابد پایدار بماند.

15. The Word of God, by which I can gain support and a firm foothold even in uncertain times, because this Word endures for all time. Today we have the 3rd Advent. In a fortnight it will be Christmas. There we celebrate that God's eternal Word became man in Jesus and was born as a child in the manger. At Christmas, the eternal Word comes to us in our world.

15. کلام خدا که به وسیله آن حتی در مواقع نامطمئن هم می توانم پشتیبان و پایه محکمی به دست بیاورم، زیرا این کلام همیشه ماندگار است. امروز سومین ظهور را داریم. کریسمس دو هفته دیگر است. در آن زمان جشن می گیریم که کلام ابدی خدا در عیسی انسان شد همان کودکی که در آخور متولد شد. در کریسمس کلمه ابدیت در دنیای ما به سوی ما می آید.

16. At Christmas, God enters our world with His eternal Word and becomes one of us in Jesus. He touches us, who in spite of all our vitality will one day wither like grass and wither like a flower, with His incarnate Word. This awakening of God at Christmas will never pass away, it makes us alive and free and connects our transient life with the Word that endures forever. Jesus is departure and freedom and eternity. Amen!

16. در کریسمس، خدا با کلام ابدی خود وارد دنیای ما می شود و در عیسی یکی از ما می شود. او ما را با کلامش لمس میکند ما را که با تمام سرزندگیمان روزی مثل علفی خشک و گلی پژمرده بودیم. این بیداری خدا در کریسمس هرگز از بین نخواهد رفت، ما را زنده و آزاد می کند و زندگی زودگذر ما را با کلامی پیوند می دهد که تا ابد پایدار است. عیسی عزیمت و آزادی و ابدیت است، آمین.